

رستم در دشت قباچاق

تأثیر شاهنامه فردوسی در ادبیات مردم قزاقستان

دکتر سید محمد باقر کمال الدینی

نشر کمال

۱۳۹۳

سرشناسه: کمال‌الدینی، سید محمدباقر، ۱۳۴۵-

عنوان و نام پدیدآور: رستم در دشت فیچاق. تاثیر شاهنامه فردوسی در ادبیات مردم قزاقستان / سید محمدباقر کمال‌الدینی

مشخصات نشر: یزد: نشر کمال، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۰۷ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۲۲-۰۰-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

موضوع: فهرستی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۴۱۶ ق. شاهنامه -- تاثیر

موضوع: ادبیات ترکی آذربایجانی

رده‌بندی کنگره: ۳۳۰ ک۳۳۰ PIR ۴۴۹۷/۱

رده‌بندی دیوبی: ۸ فا ۱/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۲۲۴۴۷

« رستم در دشت فیچاق »

❖ ناشر: انتشارات کمال

❖ ویراستار: سید محمدباقر کمال‌الدینی

❖ نوبت چاپ: ۱۳۹۳ - اوّل

❖ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

❖ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۴۲۲-۰۰-۱

❖ چاپ: نارنجستان، تهران

❖ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

چکیده

بی تردید شاهنامه علاوه بر ایران بر ادبیات دیگر کشورهای از جمله ادبیات قزاقی نیز تاثیر گذاشته است. چرا که ارتباط که در گذشته دارای محدودیتهای امروزی نبوده است. این پژوهش در صدد است تا به بررسی ارتباط و تاثیر شاهنامه بر ادبیات قزاقی، از طریق معرفی چند تن از شاعران و نویسندگان قزاقی که به شاهنامه علاقه داشته اند، بپردازد.

شاهنامه در دو بخش بر شاعران و نویسندگان قزاقی اثر گذاشته است. برخی از آنان به مضامین شاهنامه توجه داشتند و برخی دیگر داستانها و حتی شکل آنها را تقلید و چیزهای

جدیدی اضافه کرده و به سرودن رستم نامه ها و شاهنامه های
منثور پرداخته اند، زیرا روح و نقش شجاعت های قهرمانان
شاهنامه به آثار حماسی و سنت های شعری مردم قزاق شباهت
دارد. از این رو حکایت روائی و مکتوب شاهنامه در میان
قزاق ها شهرت بالایی برخوردار می باشد.

با مقایسه داستان های حماسی و پهلوانی قزاقی با
شاهنامه می توان به این نتیجه رسید که بسیاری از وقایع و
شخصیت های شاهنامه در ادبیات قزاقی نیز مثل و مانند دارند.
قهرمان قزاق آلیامیس مثل رستم بر روی حفظ سرزمین خود به
مبارزه بر می خیزد. هدف از سرودن شاهکارهای ادبی
حماسی شاهنامه و آلیامیس برانگیختن غرور ملی است تا از
این طریق کشور را در مقابل دشمنان حفظ کنند.

فهرست مطالب

۵	چکیده.....
۸	مقدمه.....
۱۷	فصل اول: شاهنامه در ادب و جهان.....
۸۵	فصل دوم: درباره قزاقستان و ادبیات قزاقی.....
۱۲۹	فصل سوم: شاهنامه و ادبیات قزاق.....
۳۹۳	تحلیل و نتیجه گیری.....
۳۹۹	فهرست منابع و مآخذ.....

مقدمه:

پیشینه پیوند آسیای مرکزی با ایران به قبل از ظهور اسلام باز می گردد. همچنین این سرزمین فرارود (ماوراءالنهر) و ترکستان نامیده می شده است. پس از ظهور اسلام گسترش آن، این منطقه به صورت یکی از مراکز علمی و فرهنگی آمد. بسیاری از محققین معتقدند که نخستین فرهنگی که اقوام محلی آسیای مرکزی با آن رو به رو شدند فرهنگ شرقی - ایرانی بوده است. «مختار اوئزاف»^{*} نویسنده، آکادمیک قزاق، بر این عقیده است که داستانهای شاهنامه فردوسی و «لیلی و مجنون» از دیرباز سرچشمه به سینه در میان قزاق ها نقل می شده است. چنانکه مردم قزاق رستم را

نماد دلاوری و لیلی و مجنون را نمونه اصیل عشق می دانند. پیشینه و فرهنگ مشترک دو ملت را به راحتی می توان از طریق شعرا و دانشمندان این سرزمین بررسی کرد. بسیاری از شاعران دانشمندان آسیای مرکزی در مکتب شرقی - اسلامی درس آموخته اند. «مختومقلی فراغی»، «امیر علیشیر نوایی»، «صدرالدین عینی و بای» که از شعرای به نام و مورد احترام در جمهوریهای آسیای مرکزی هستند، همگی پیوند عمیقی با فرهنگ شرقی - اسلامی داشتند. از جمله دیگر شعرایی چون حافظ، سعدی، فردوسی، خیام و... در نثر و شعر مردم این مناطق شناخته شده هستند. یکی از این جمهوریها جمهوری قزاقستان است که با ایران روابط فرهنگی بسیار کهنی دارد. وجود کلمات فارسی در زبان قزاقی و بالعکس، شناخته بودن

مشاهیر ادبی در میان دو ملت دلایل آشکاری هستند بر این که روابط فرهنگی گسترده ای در طول تاریخ بین این دو ملت وجود داشته است.

قزاقها با شاهنامه آشنایی دیرینه دارند. پهلوانان شاهنامه در ادبیات شفاهی قزاقی ذکر می شوند. وجود داستانهای پهلوانی - حماسی مثل الپامیس باتیر (باتر)، قوبلاندی باتیر، قنبر باتیر، ارتارغین* و ... یادآور پهلوانان شاهنامه است. چنان که شاعران قزاقی در تشبیهاتی مانند رستم، خجاعت، روین تنی و ... گاهی از پهلوانان حماسی ایران نام بردند. مخاطب را به الگو گرفتن از آنها دعوت می کنند. ادبای قزاقی در میان آثار

* Alpamis batir, Qoblandi batir, Qanbar batir, Er Tarqin

باتیر (batir) یا باتر (batr) به معنای بهادر، پهلوان و دلاور می باشد.

ادب فارسی بیش از همه از شاهنامه فردوسی متأثر شده و آثار
عديده ای را به وجود آورده اند که هر کدام نقش به سزایی
در شکوفایی روابط فرهنگی دو ملت ایفا کرده اند.

یکی از آثاری که مورد توجه قزاقها قرار گرفته شاهنامه
فردوسی است. شاهنامه که نمادی از فرهنگ و تاریخ
اسطوره‌ای حماسی و منثور فارسی است، در مقایسه با دیگر
آثار شرقی بیشترین تأثیر را در بیات قزاقی گذاشته است. تا
جایی که اکثر شاعران و نویسندگان قزاق «رستم‌نامه»هایی را
ترتیب داده و کوشیده‌اند بخشی از شاهنامه را به زبان قزاقی
بازگویی و ترجمه کنند و یا خود به تبعیت و تقلید از شاهنامه،
داستانهایی را خلق کنند. در رستم‌نامه های قزاقی همیشه
خوبی ها در برابر بدیها پیروز می شوند. شاعران قزاقی به این

داستان‌ها چیزهای جدیدی اضافه می‌کردند. کار بازگویی و ترجمه شاهنامه به زبان قزاقی از دهه سی سده نوزده میلادی آغاز گردیده است. از جمله این شعرا و نویسندگان قزاقی که داستانهای شاهنامه را به زبان قزاقی ترجمه و یا بازگو کرده‌اند می‌توان از اوراز ملا، سردالی، شادی جهانگیراولو، محمدجان سرالین، تورمانبای، ایزتلوف، رحیمبای قولبایف، مجید دولت‌بایف و ... نام برد. از بین این شاعران اولین کسی که به ترجمه شاهنامه دست زده است، همان ملا می‌باشد. اوراز ملا بین سالهای ۱۸۵۶-۱۸۷۰ سه قسمت از شاهنامه را، سردالی در سال ۱۸۸۸ یک قسمت از شاهنامه را، و محمدجان سرالین در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۵ رستم و سهراب را ترجمه کرده است. این ترجمه‌ها بیشتر از متون ترجمه شده زبان جغتایی، ازبکی،

تاجیکی و روسی صورت گرفته است. شاعر نامدار قزاق، آبی قونانبايف از آنجا که به زبانهای فارسی، عربی و روسی آشنایی کامل داشت، اشعار و داستانهای شاعران بزرگ شرقی، از جمله شاهنامه فردوسی را از روی متن اصلی و گاهی از ترجمه های ترکی جغتایی آن خوانده بود.

یکی از نفیس ترین آثار خطی، ترجمه شاهنامه فردوسی به زبان ترکی جغتایی است که بیش از یک هزار صفحه است و در کتابخانه ملی قزاقستان نگهداری می شود. این نسخه شاهنامه در سال ۱۷۲۱ میلادی نوشته شده است. ترجم آن تا معلوم است و نسخه خوانا نمی باشد و تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

بعضی نویسندگان و شاعران قزاقی، از جمله سرالین از ترجمه‌های روسی شاهنامه استفاده کرده‌اند که به وسیله ژوکوفسکی از روی متن آلمانی به نظم درآورده شده است. وجود نقاشی‌ها و تصاویر دیواری از جنگهای شاهنامه نیز در این اثر غالب توجه است. همچنین وجود نقالها و عاشقهای (عاشیق) محلی که به زبان قزاقی، آقین، ژیراو و ژیرشی* نامیده می‌شوند، در ادبیات قزاقی حائز اهمیت است که این افراد داستانهای قهرمانی (مثل شاهنامه) را به طور شفاهی همراه با شعرسرایی، سازنوازی و آواز برای مردم می‌خواندند که از جمله آنان می‌توان به جابول، ابایف* و شاگرد وی کنن ازیربایف* اشاره کرد. همچنین شاعران قزاق

* aqin, zhiraw, zhirshi

* Jambul Jabayev

* Kenen Azirbayev

در مدح فردوسی شعرها سروده اند. شاهنامه یکی از پر خوانندترین کتابها در قزاقستان می باشد و فیلم سینمایی شاهنامه توجه مردم را به خود جلب کرد.

www.ketab.ir